

تبیین و تحلیل شاخص‌ها و اصول مادی و معنوی آرمان شهر اسلامی

احمد عرب عامری^۱

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور مرکز گرمسار، سمنان، ایران

هاشم امیری

دانش آموخته جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مصیب عباسی

استادیار گروه حقوق و الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه گلستان، گلستان، ایران

زهرا سرجوانی شیراز

دانشجوی دکتری کلام اسلامی دانشگاه آزاد (علوم و تحقیقات) و عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

حسین محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

چکیده

بی تردید آنچه در قرآن کریم آمده، کلام حق تعالی جل شأنه است که توسط جبریل امین بر خاتم انبیا(ص) نازل شده تا راهنمای ابدی بشر باشد، پس باید این کتاب آسمانی در همه زمینه‌های زندگی بشر از جمله ابعاد سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و نحوه چگونگی حکومت کردن و کشور داری و امثال آن رهنمودهای کلی را داده باشد. از آنجایی که قرآن کریم برای اجتماع بشری و محیطی که ابناء بشر در آن رشد و نمو و پرستش خداوند را میکنند اهمیت زیادی داده است، در این تحقیق برآن شدیم تا از دیدگاه شارع مقدس اسلام عناصر ممیزه آرمان شهر اسلامی را مورد واکاوی قرار دهیم. در این تحقیق ویژه گوی‌های ماهوی آرمان شهر اسلامی از جمله، داشتن امنیت پایدار، وجود آرامش و اطمینان، فراوانی رزق و روزی و... و شاخصه‌های مادی مانند راه‌ها و معابر، عدالت محیطی، مکانیابی و... را به شیوه‌ی کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار خواهیم داد و نتیجه خواهیم گرفت که شریعت مقدس اسلام برای مدیریت شهری همچون سایر نیازهای اجتماعی جوامع انسانی دستورات و قوانینی فرو فرستاده است و اگر این آموزه‌ها مورد عنایت قرار بگیرند، سعادت دنیوی نوع بشر تضمین خواهد شد، مهمترین تاکید شریعت مقدس اسلام در این زمینه عبارتند از: امنیت شهروندان، اطمینان خاطر و روزی فراوان، در متن تحقیق علاوه بر این موارد، احکام و آموزه‌های مرتبط نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: مدیریت شهری، امنیت پایدار، عدالت، آرمانشهر اسلامی.

مقدمه

ما بر این عقیده‌ی درست هستیم که قرآن آخرین کلام الهی و حضرت ختمی مرتبت آخرین فرستاده الهی است، پس به حکم عقل، باید دستورات آن کامل‌ترین و جامع‌ترین دستورات بوده و عمل به آنها لزوماً می‌بایست جوامع را بسوی سعادت پیشرفت روز افزون رهنمون باشد، پس چرا در پاره‌ای از موارد چنین نیست؟ همانطور که گفتیم آخرین قوانین شرع انور الهی نمی‌تواند نقص داشته باشد، پس اشکال در عمل خود ماست که یا خود را مستغنی از هدایت حق دانسته و یا در کشف و استنباط و کاربرد آن کوتاهی میکنیم. ما هیچوقت بر این باور نیستیم که همه دستورات و مقررات در همه علوم با جزییات در قرآن آمده است و با رجوع به آن می‌توان رفع مشکل کرد و نیاز خود را بر طرف کرد، زیرا اگر بنا بود چنین شود، باید نزول وحی تا زمان حاضر و زمانهای آینده استمرار یابد، نه چنین نیست، بلکه قرآن تنها ملاک و معیار و نقشه راه را نشان میدهد و ما در این تحقیق تنها بدنبال کشف و بیان نشانه‌های این راه در کلام الهی هستیم تا چراغ هدایت مدیران جامعه اسلامی باشد. در این پژوهش با استناد به آیه شریفه: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» (Al-Nahl:112)، مشخصه‌های اصلی برای یک شهر نمونه اسلامی در ابعاد ماهوی و مادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، این سه مشخصه عبارتند از:

- امنیت شهروندان

- اطمینان خاطر

- مکانیابی

- عدالت محیطی

برای تهیه کنندگان این پژوهش اصلاً زینده نیست تا با وجود کتابی چون قرآن و پیامبری چون حضرت ختمی مرتب، برای بیان صفات و مصداق واقعی آرمان شهر اسلامی در بین کتابهای مغرب زمین و اقوال دانشمندان آن بلاد بدنبال جمله یا عبارتی بگردند و آن را زینت بخش گفتار خود کنند، هر چند زحمات آنها در جای خودش ارزش خودش را دارد، ولی نگارندگان بر این باورند که اگر تنها به یک نمونه از شاخصه‌های مدیریت اسلامی توجه شود که «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (Al-hujuraat:13) بخش عظیمی از مشکلات بشریت حل خواهند شد. در قرآن کریم از این گونه راهنمایی‌ها فراوان است.

نکته دیگر آنکه در ادبیات حقوق و علوم سیاسی جدید، واژه‌های «شهر»، «شهروند»، «حقوق شهروندی»، «آرمان شهر» و امثال اینها توسعه یافته و بیشتر نظر به کشور، جامعه، حوزه‌ی جغرافیایی، نظام سیاسی و حقوقی داشته اصولاً مبین عناصر اصلی حاکمیتند.

یک شهر نمونه در قرآن

قرآن کریم که آخرین و کامل‌ترین دستورات الهی را برای بشر به ارمغان آورده و سعادت دنیا و آخرت و هدایت همه انسانها را مورد توجه قرار داده است، باید اولین مرجع مسلمین برای حل مشکلات آنها باشد. تمام آیات قرآن

کریم می تواند الهام بخش مدیران و دست اندر کاران جامعه اسلامی بوده و بهترین شیوه های مدیریتی را از ایه نماید. قرآن کریم خود یک شهر نمونه را توضیح می دهد: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» (Al-Nahl:112). در این آیه شریفه برای یک شهر نمونه و الگو سه مشخصه بیان می کند:

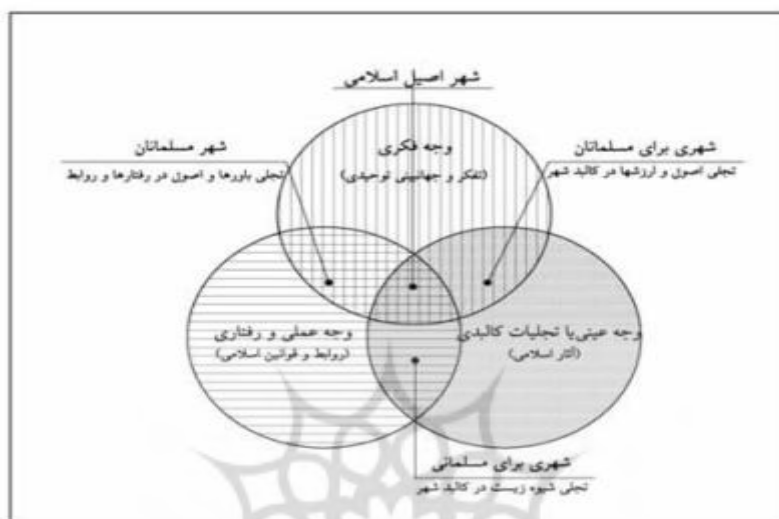
- امنیت شهروندان - اطمینان خاطر - روزی فراوان

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه کلام زیبایی دارد و می گوید خداوند سه صفت برای قریه مورد مثال ذکر می کند که متعاقب همدند، چیزی که هست وسطی آنها که مسأله اطمینان باشد به منزله رابطه میان دو صفت دیگر است، چون هر قریه ای که تصور شود وقتی امنیت داشت و از هجوم اشرار و غارت گران و خون ریزی ها و اسیر رفتن زن و بچه شان و چپاول رفتن اموالشان و همچنین از هجوم حوادث طبیعی از قبیل زلزله و سیل و امثال آن ایمن شد، مردمش اطمینان و آرامش پیدا می کنند و دیگر مجبور نمی شوند جلای وطن نموده متفرق شوند؛ و از کمال اطمینان صفت سوم پدید می آید و آن این است که رزق آن قریه فراوان ارزان می شود، چون از همه قراء و شهرستانها اطراف آذوقه به آنجا حمل می شود، دیگر مردمش مجبور نمی شوند زحمت سفر و قربت را تحمل نموده برای طلب روزی و جلب آن بسوی قریه خود بیابانها و دریا ها را زیر پا بگذارند و مشقت های طاقت فرسایی را تحمل کنند (Tabatabaee, undated, 12/522) در این آیه شریفه سه ویژگی برای آرمان شهر اسلامی بیان شده است، نخستین آنها امنیت است، سپس اطمینان به ادامه زندگی در آن شهر و بعد از آن مساله جلب روزی و مواد غذایی فراوان می باشد که از نظر ترتیب به همان شکل که در آیه آمده صورت حلقه های زنجیره علت و معلول را دارد، چرا که تا امنیت نباشد کسی اطمینان به ادامه زندگی در محلی را پیدا نمی کند و تا این دو نباشند کسی علاقه مند به تولید و سر و سامان دادن به وضع اقتصادی نمی شود پس باید قبل از هر چیز به مساله امنیت پرداخت، سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت و به دنبال آن چرخهای اقتصادی را به حرکت در آورد. ولی این نعمتهای سه گانه مادی هنگامی به تکامل می رسند که با نعمت معنوی ایمان و توحید هماهنگ شوند.

مبانی اندیشه ای در شکل گیری آرمان شهر اسلامی

نوع ارتباط، فضاهای شهری، محیطی فرهنگساز و تأثیرگذارند که میتوانند در شکلگیری نظام زیرساختی و ذهنی جامعه اثربخش باشند. شهرهای اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. به طور کلی سه عنصر «انسان»، «رفتار» و «کالبد» در ایجاد فضای کالبدی شهر دخیل می باشند؛ اما در شهر اسلامی سه عنصر «جهانبینی توحیدی»، «اخلاق و رفتار اسلامی» و عمل و ارتباط اسلامی با عالم در شکل گیری آن سهیم می باشند. حال اگر این سه عنصر را به صورت دوایر متقاطعی نشان دهیم، بهترین حالت وقتی است که سه دایره بر هم منطبق باشند. در این حالت در سطوح مشترک، چهار نوع شهر برای جامعه اسلامی قابل شناسایی است. یکی شهری که در آن انسانهایی معتقد به اصول اساسی اسلام زندگی و بر اساس دستورات اسلام عمل میکنند که آن را «شهر مسلمان» می نامیم. دیگری شهری است که در آن مسلمانان در کالبدی اسلامی زیست میکنند که با عنایت به دستورات اسلامی بنا شده است و میتوان آن را «شهری برای مسلمانان» نامید. سومین محدوده که آن را «شهر مسلمانی» می نامیم، نشانگر شهری است

که در آن رفتار اسلامی جریان دارد و کالبد شهر نیز بر اساس اصول و ارزش های اسلامی ساخته شده است. در این میان یک فضای مشترک بین سه دایره است که از آن به عنوان مصداق «شهر اصیل اسلامی» یاد میکنیم و در آن مسلمان توانسته اند کالبد مناسبی را نیز به وجود آورند که تجلی گر ارزش های اسلامی باشد (نمودار شماره ۱) (برقی و تقدیسی، ۱۳۸۷).



نمودار شماره ۱: رابطه عوامل سه گانه وجه فکری، وجه عملی و رفتاری و وجه عینی «در شکل گیری» شهر اصیل ایرانی، شهری برای مسلمانی «و» شهری برای مسلمانان (ماخذ: نقی زاده، ۱۳۸۲)

- آرمانشهر در جهان ایرانی - اسلامی

اندیشه آرمانشهر ایرانی با ظهور تمدن و هویت ایرانی با تأکید بر عنصر والایی قدرت مرکزی آغاز میشود. هردوت و مؤرخان ایرانی اتفاق نظر دارند که برآمدن دیائوکو آغاز زندگی مدنی در ایران است (andJar, Fakhory, 2992).

با ظهور اسلام، مدنیت نوینی، پایه ریزی میگردد و هجرت به یثرب و «مدنیت محمدی»، آغاز تاریخ «انسان محمدی» و «شهر محمدی» میشود. آرمانشهر الهی در «خودبودگی مطلق خداوندی» تجلی میکند، انسان، طبیعت، شهر، کلمه و کلام میشود و با وحی الهی دو تصویر آسمانی - زمینی یا تجلی آن خودبودگی، آرمانشهر پیش روی انسان مخاطب قرار میگیرد و در الگوی امامت (مدیریت جامع نگر تغییر) نبوی تفسیر نسبت عقل و وحی، مدینه الرسول، خاستگاه تفسیر اول آرمانشهر میشود. در سند مرجع توسعه ای شهر، با امامت علوی و به طور خاص در تجربه بلند امام علی (ع) و شهر علی، تجربه عاشورا - کربلا، شهر علم امام صادق (ع)، تجربه رضوی شهر و شهر حضرت حجت ابوالصالح المهدی (ع)، تفسیر دوم آرمانشهر را نسبت عینی عقل و وحی به دست میدهد.

صفات و ویژگی های آرمانشهر اسلامی

ماهوی

شهر عدالت:

جامعه وقتی عادل است که در آن هریک از طبقات سه گانه [فرمانروایان، پاسداران و پیشه وران] وظیفه ای را که

خاص آن طبقه است انجام دهد ... و خود وقتی عادل هستیم و وظیفه خود را انجام می‌دهیم که هر جزیی از روح ما تنها به وظیفه ی خاص خود پردازد (plato, 1974, p216) به عقیده افلاطون عدالت علاوه بر آن که جزئی از فضایل انسانی بوده خصیصه ای است که مردمان را به روابط سیاسی به منظور تشکیل جامعه سیاسی وا می‌دارد (Foster, Michael Beresford, 1982, vol2, p52) ... سقراط برای تعریف عدالت در شهر نیازمند آن است که اجزای یک شهر تعریف شوند تا همکاری و نظم که عدالت منجر به آن می‌شد در شهر میان گروه و طبقه‌های مشخص و مجزا به وجود آید (Nickolas Pappas, 2010, p125) اما از دیدگاه فلاسفه و متکلمین اسلامی، یکی از مفاهیم اساسی حکم عقل عملی در باب حسن و قبح افعال بندگان، «عدل» و «عدالت» است. از دیدگاه حکمای ما امامیه که نظر بر ذاتی بودن حسن و قبح افعال دارند، آنرا جزو آراء محموده دانسته و می‌گویند عقل بما هو عقل، عدل و عدالت را تحسین کرده و نقطه مقابل آن که ظلم باشد را تقبیح می‌کند و این حکم عقلی دین و سرزمین و نژاد و مسلک و مکتب نمی‌شناسد، از این رو دانشمندان ما عدل را به مثابه صفت و ملکه نفسانی دانسته اند که ریشه در فطرت انسانها دارد، بدین معنا که در نهاد آدمی و در اساس خلقت او گرایش به عدالت و عدالتخواهی، تنفر از ظلم و ستم و بی‌عدالتی و تبعیض وجود دارد و این حقیقتی است که انسان آنرا در ذات خود یافته و فطرتش را بدان حکم می‌کند: «الذی خلقت فسواک فعدلک فی ای صورہ ماشاء رکبک» (Al-Infitaar, 7,8) و حتی ستمگران برای ظلم خود دست به توجیه می‌زنند و سعی می‌کنند آن را عادلانه جلوه دهند. بر همین مدار دانشمندان ما عدل و عدالت را هیچگاه به تساوی حقوق تعریف ننموده و می‌گویند: عدالت، دادن هر صاحب حق و رساندن حقوقشان به آنان و گذاشتن هر چیز در جای خودش می‌باشد (Tatabataee, vol12, p378) علامه به نقل از راغب می‌فرماید عدل دو قسم است: یکی مطلق که عقل اقتضای حسن آن را دارد و در هیچ زمان و عصری منسوخ نمی‌شود و به هیچ وجه اعتداء و ظلم شمرده نمی‌شود، مانند احسان به هر کس که به تو احسان کرده و آزار نکردن به کسی به تو آزار نرسانده، دوم عدلی که عقل، عدالت بودن آن را تشخیص نداده، بلکه بوسیله شرع شناخته می‌شود، مانند قصاص و ارش و دیه جنایت و اصل مال مرتد، که این قسم از عدالت قابل نسخ هست و در بعضی از زمانها منسوخ می‌شود، سپس می‌گویند: عدالت میانه روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری است و این در حقیقت معنا کردن کلمه است به لازمه معنای اصلی، زیرا معنای اصلی عدالت اقامه مساوات میان امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آن است قرار گیرد، پس عدالت در اعتقاد این است که به آنچه حق است ایمان آوری و عدالت در عمل فردی آن است که کاری کنی که سعادتت در آن باشد و عدالت در مردم و بین مردم این است که هر کسی را در جای خود که به حکم عقل و یا شرع و یا عرف مستحق آن است قرار دهی، نیکوکار را بخاطر احسانش احسان کنی و بدکار را بخاطر بدیش عقاب نمایی و حق مظلوم را از ظالم بستانی و در اجرای قانون تبعیض قائل نشوی (همان)، ایشان در ادامه مطلب مراد خداوند از آیه شریفه «ان الله یامر بالعدل و الاحسان» را عدالت اجتماعی دانسته و معنای آن را این می‌داند که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است و این

خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مامور به انجام آنند(همان).

۱- استقرار عدالت یکی از مهمترین اهداف انبیاء الهی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و...» همانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و بر ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند (Al-HAdid: 25) و «ای داوود، ما ترا در زمین خلیفه گرداندیم پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوی پیروی نکن» (Al-Maaida: 26).

۲- عدالت در رفتار با کفار و دشمنان: «ولا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هوالقرب للتعوی» (Al-Maaida: 8) و خداوند شما را نهی نکرده است که از کسانی که در مورد دین با شما نجنگیده و شما را از خانه هایتان خارج نکرده‌اند اینکه به آنها نیکی و با آنها به عدالت رفتار کنید، به درستی خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد (Al-Mumtahana: 8).

۳- عدالت در محیط خانه و در رفتار با همسر: «و ان خفتم الا تعدلوا فواحدة» (An-Nisaa3).

۴- قضاوت و داوری بر اساس عدل و قسط: «چون حاکم بین مردم شوید، داوری به عدالت نمائید (An-Nisaa 58) و اگر حکم کردی میان آنها، به عدالت حکم کن» (Al-Maaida: 42)

۵- خلقت جهان هستی بر اساس عدل است: «و خلق الله السموات و الارض بالحق» (Al-Jaathiye: 22) و «زمین و آسمان ها به واسطه عدالت پیا داشته شده اند» (Ar-Rahmaan: 7).

۶- نزدیک ترین چیزها به تقوی عدالت است: «اعدلوا هوالقرب للتعوی» (Al-Maaida: 8)

شهر امن:

آرمانشهر اسلامی، شهر امنیّت و صلح و اطمینان خاطر است. «ایمان و مومن نیز از ریشه امن اند» [۲۵] وجود ایمان و افراد مومن در شهر آرمانی اسلامی، حکایت از امن بودن شهر دارد و بالعکس. آرمانشهر اسلامی امنیت را در نظر و عمل برای شهروندان فراهم می آورد. امنیت رشد و تعالی در آرمانشهر اسلامی موجود است. آرمانشهر اسلامی شهر امنیّت و صلح است. اطمینان خاطر جسم و روح شهروندان در عینیت و ذهنیت های شهری جاری است.

سوال: اگر هدف عالی شریعت اسلام از امنیّت، امنیّت پایدار باشد، در آموزه های دینی منظور از امنیّت پایدار چیست؟ امنیّت مبتنی بر مشروعیت، مقبولیت، ویا اکراه و اجبار؟

پاسخ: بی تردید شریعت اسلامی امنیّت مبتنی بر جبر و اکراه را نمی پذیرد: «لا اکراه فی الدین...» (Al-Baqara: 256) و حدیث مشهور رفع: «رفع عن امتی تسعة أشياء: الخطأ، والنسیان، وما أکرهوا علیه، وما لا یعلمون، وما لا یطيقون، وما اضطروا إلیه، والحسد، والطیرة، والتفکر فی الوسوسة فی الخلوۃ ما لم ینطقوا بشفۃ» (Horr-e-Ameli, 1991). با توجه به اجماعی که در مردودیت اکراه و اجبار در شریعت اسلامی وجود دارد، بحث در اثبات این مردودیت بی فایده و سالبه به انتفاع موضوع است و سزاوار اطلاع کلام نیست.

روزی فراوان

سومین مشخصه شهر نمونه اسلامی، رزق و روزی فراوان است: «یأتیها رزقها رغداً من کل مکان» (An-Nahl: 112)

کلمه «رغد» به معنای عیش فراخ و گوارا و پاکیزه است و این آیه مثلی است که خدای تعالی آورده و قریه ای را شرح می‌دهد که تمامی مایحتاج اهلش را فراهم نموده و این نعمتها را با فرستادن پیغمبری برایشان تمام کرده و به حد کمال رسانده است، اگرچه این آیه شریفه در مقام بیان شکر نعمت و آثار کفران آن است، ولی حق تعالی در مقام بیان نعمت های الهی این تمثیل را بیان فرموده و سه نعمت بزرگ را در آن یاد آور شده است. نعمت رزق و روزی به فرموده خداوند شامل همه موجودات زنده است، زیرا بر حکمت بالغه حق تعالی زیبنده نیست که موجودی را خلق نماید و آن را بدون رزق و روزی رها نماید: هیچ جنبه‌ای در زمین نیست مگر آنکه رزقش به عهده خداست (Hud: 6) البته ممکن است روزی دهندگانی غیر از خدا هم باشد، ولی «خدا بهترین روزی دهندگان است» (Al-Jumua: 1) و «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (Adh-dhaaryat: 58) یعنی که روزی بخشنده خلق تنها خداست که صاحب قوت و قدرت ابدی است. آنچه از این آیه بر می‌آید این است که:

اولاً رزق به طور حقیقت جز به خدا منسوب نمی‌شود و هر جا به غیر او نسبتش دهند از قبیل نسبت عمل خدا به غیر خدا دادن است، مانند آیه: (و الله خیر الرازقین) که از آن استفاده می‌شود رازق بسیار است و خدا بهترین آنان است.

و ثانیاً استفاده می‌شود که آنچه خلق در وجودشان از آن بهره مند می‌شوند رزق ایشان و خدا رازق آن رزق است، دلیل بر این معنا علاوه بر آیات بسیاری که درباره رزق، سخن گفته، آیات زیاد دیگری است که دلالت دارد بر اینکه خلق و امر و حکم و ملک (به کسر میم) و مشیت و تدبیر و خیر همه خاص خدای عزوجل است.

و ثالثاً بر می‌آید که آنچه انسان در راه حرام مورد بهره برداری قرار می‌دهد، رزق خدا نیست و نباید وسیله معصیت را به خدا نسبت داد، برای اینکه خود خدا معاصی بندگان را به خود نسبت نداده، (Tabatabaee, vol 3, p 215) خداوند در قرآن کریم کلید «رزق لایحتسب» را «تقوی» میداند و می‌فرماید: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لایحتسب» (At-Talaaq: 2, 3) یعنی هر کسی که از محرّمات الهی به خاطر خدا و ترس از او بپرهیزد و حدود او را نشکند و حرمت شرایعش را هتک ننموده و به آن عمل کند، خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم کرده و سعادت دنیا و آخرتش را تامین می‌کند و از همسر و مال و هر چیز دیگری که مایه خوشی زندگی او و پاکی حیاتش باشد، از راهی که خود او احتمالش را هم ندهد و توقعش را نداشته باشد روزی می‌فرماید. قرآن کریم و منابع شرع مقدس اسلام آنچه سبب گشایش و افزایش رزق می‌شود، عبادت و بندگی با خلوص باریتعالی است که در مصادیق متفاوتی تجلی دارد از جمله: کسب معرفت، ایمان، اخلاص، نماز، تلاوت قرآن کریم، دعا، پرهیز از گناه، استغفار، توبه، صلّه ارحام، انفاق و صدقه، کار و تلاش در هر عرصه و صنفی برای خدا نه برای نان، امر به معروف (از جمله نماز) و نهی از منکر و نیکی و احسان به پدر و مادر و دیگران، خوشرفتاری با خانواده، امانت داری، راستگویی و امثال این‌ها..

۱-۴- آرامش و اطمینان

از نظر واژه شناسی، اطمینان یعنی خاطر جمع‌ی ناشی از رسیدن به یقین و تردید نداشتن در مورد چیزی. قرآن کریم

دومین مشخصه آرمان شهر اسلامی را ایجاد آرامش و اطمینان خاطر شهروندان می‌داند، اگرچه متخصصین و صاحب نظران علوم اجتماعی راههای مختلفی را برای ایجاد آرامش و اطمینان پیشنهاد می‌کنند، ولی بهترین راه همان راهی است که خداوند در قرآن پیشنهاد فرموده است، آن راه، راهی جز اتصال دل به منبع بی‌انتهای فیض الهی نیست و تنها راه آرامش دل در ناراحتی‌ها، اضطراب‌ها، دلهره‌ها و نگرانی‌ها فقط یاد خدای مهربان است: همانا با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد (Al-Raad:28). اطمینان حالتی درونی است که بعد از علم و یقین به انسان دست داده و موجب آرامش خاطر و سکون نفس او می‌گردد و باعث می‌شود تا انسان بر این باور برسد که چیزی را با چشمان خود می‌بیند و با دستان خود لمس می‌کند، در واقع هدف اساسی انبیاء و اولیاء و صالحان و دانشمندان و صاحب نظران هم رسیدن بشر به این مرحله است. قرآن در رابطه با بیان ایمان و اطمینان و تفاوت آن دو بیان ظرفی دارد که در قالب پرسش و پاسخ خداوند و حضرت ابراهیم (ع) جلوه گر می‌شود: و آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا به من بنمای چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نداری؟ گفت بلی، ولی برای آنکه قلبم اطمینان یابد (Al-Baqara: 260) بی تردید سوال ابراهیم (ع) از تحدید قدرت الهی نیست، چرا که او فرستاده خدا و رسول و بالاتر از آن امام است، به عبارت دیگر آن حضرت به قدرت خداوند در زنده کردن مردگان ایمان دارد، می‌خواهد با چشم خود نیز ببیند و اطمینان و یا سکون قلبی یابد.

جایگاه اطمینان، ضمیر و نهاد آدمی است که از آن به قلب تعبیر می‌شود کما اینکه حضرت ابراهیم (ع) نیز می‌فرماید: «و لکن لیطمئن قلبی» و حرف «لام» بر «یطمئن» مشعر بر تعلیل و بیانگر غایت امر و رسیدن به مرحله شهود است، همان مرحله ای که سکون نفس را بر انسان حاکم می‌گرداند.

قرآن کریم شهر نمونه و الگوی خود را شهر مطمئن معرفی می‌کند، شهری که شهروندان آن در اطمینان و آرامش کامل زندگی کنند، این اطمینان در تمثیل نقطه ای است در مرکز دایره هستی که همه ی راهها به آن ختم می‌شود، زیرا هدف از ایجاد امنیت چیزی جز ایجاد اطمینان در نفوس شهروندان نیست، همچنان که هدف از اجرای عدالت و ایجاد اشتغال و فراوانی رزق و روزی و امثال آن نیز رسیدن به همین اطمینان یا سکون نفسی است. از دیدگاه قرآن کریم، مرحله اطمینان، مرحله ای است که رضا حاصل می‌شود و نتیجه این رضا همان سکون نفسی است، این رضا رضای طرفینی است و هم خدا از بنده راضی است و هم بنده به جهت ایمانی که در قلب او پیدا می‌شود به رضا می‌رسد: «ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته! به سوی پروردگارت باز گرد که تو از او راضی و او از تو راضی است پس در زمره‌ی بندگان من درآی و به بهشت من داخل شو!» (Al-Fajr: 27-30)، این گونه است که وقتی انسان دارای قلب مطمئن شود، شأنیت این معنا را پیدا می‌کند که مورد خطاب حق تعالی قرار گرفته به جمع بندگان صالح داخل شده و سپس وارد بهشت جاویدان گردد و بی تردید، رسیدن به این درجه از کمالات تنها در پرتو ایمان به خداست.

از دیدگاه قرآن کریم در آیه ۱۱۲ سوره نحل که یکی از شاخصه های شهر نمونه را شهر مطمئن معرفی کرده است، همین معناست که در آن شهر بندگان در طی طریق ایمان و بندگی با جایی برسند که غیر از خدا چیز دیگری نبینند

و قلوبشان به نور حق سکون و اطمینان پیدا کند و لاجرم برای رسیدن به این مهم باید بیش از هر چیز اسباب بندگی فراهم باشد. از بین بردن فقر مادی و معنوی، اجرای قسط و عدالت، احترام با شان و حقوق انسانها، امر به خوبی‌ها و نهی از زشتی‌ها، اهتمام به عمران و آبادی، مهیا کردن اسباب رزق و روزی، ایجاد امنیت جانی و مالی و ایمانی و امثال اینها برخی از مقدمات دست‌یابی به این هدف اساسی است که باید متولیان حکومت اسلامی در تدارک آن بکوشند.

آنچه در این آیه شریفه: «ضرب الله مثلا قریه کانت آمنه مطمئنه یاتیه رزقها رغدا» قابل ذکر است، این است که خداوند این سه صفت را برای قریه مورد مثل ذکر می‌کند و علی‌الظاهر چنین می‌نماید که متعاقب و همسنگ یکدیگرند، اما اگر خوب دقت شود، روشن می‌شود که مساله اطمینان به منزله رابطه میان دو صفت دیگر (امنیت و رزق و روزی) است، چون هر قریه‌ای که تصور شود وقتی امنیت داشت و از هجوم اشراک و غارتگران و خونریزیها و چپاول رفتن اموالشان و همچنین از هجوم حوادث طبیعی از قبیل زلزله و سیل و امثال آن ایمن شد و از سوی دیگر رزق و روزی و اشتغال و کالاهای اساسی در آن فراوان شد، مردمش اطمینان و آرامش پیدا می‌کنند و دیگر مجبور نمی‌شوند که جلای وطن نموده و متفرق شوند.

شورا محوری و حاکمیت خرد جمعی

اهمیت شور و مشورت و تصمیم‌گیری جمعی در اسلام و در سیره عملی پیشوایان ما انکارناپذیر است، حضرت ختمی مرتبت و ائمه معصومین علیهم السلام، با وجود آنکه از مقام عصمت برخوردار بوده و نیازی به مشورت نداشتند و حتی قطع نظر از وحی و مقام نبوت و امامتی که دارا بودند، هیچگاه خود را از شور و مشورت با اصحاب خود بی‌نیاز ندانسته و در باره مسائل مهم جامعه اسلامی از جمله جنگ و صلح و انعقاد پیمان با آنها مشورت می‌کردند، پس میتوان ادعا کرد که عمل به شورا و مشورت، از اصول مسلم سیره پیامبر اکرم (ص) و اوصیای آن حضرت است.

از دیدگاه شرع مقدس اسلام امر به شورا و مشورت از چنان اهمیتی برخوردار شده است که یکی از سوره‌های قرآن بر همین مدار، وجه تسمیه یافته است تا مسلمانان بدانند که شورا باید به عنوان یک اصل و قسمتی از برنامه زندگیشان باشد، نه یک امر فرعی و خارجی، زیرا شورا مایه الفت اجتماعی، پیوند مردم، ارزش یافتن نظر آنها و مشخص شدن قدر و جایگاهشان در امر تصمیم‌گیری می‌شود. قرآن کریم در مقام دستور می‌فرماید:

«و شاورهم فی الامر» (Aal-i-Imran: 159)

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (Ash-Shura: 38)

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (Aal-i-Imran: 159)

از نمونه‌های برجسته سیره پیامبر (ص) در امر مشاوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در جنگ بدر در باره اصل جنگ، تعیین مکان نبرد و اسیران جنگ با یاران خود مشورت کرد

- در جنگ احد با یاران خود مشورت کرد و علیرغم نظر مخالف خود، نظر اصحابش را پذیرفت.

-در روز حدیبیه نیز با یاران و اصحاب خود به مشورت پرداخت.
-در فتح مکه، در باره نحوه بر خورد با کفار و مشرکین، با اصحاب مشورت کرد.
-در غزوه تبوک نیز در امور مختلف، با اصحاب خود به مشورت پرداخت.
در کلام معصومین و خصوصاً حضرت امیر المومنین به حد اوفی بر ضرورت پرداختن به شورا و مشورت تاکید شده است:

-«شاور ذوی العقول تأمن الزلل والندم.» (Khansari, 1994, vol4, p179).

- هرکس استبداد به رای کند هلاک شود و هر کس با مردمان مشورت کند در عقولشان با آنها شریک شود. (Horr- e-Ameli, 1992, vol6, p4) آن حضرت در توصیه به مشاوره و شورا تا جایی پیش می روند که حتی به مشورت با دشمنان نیز سفارش می فرمایند تا از میزان دشمنی و هدف های آنها آگاه شوی.
آنچه اشاره شد، قطره ای از اقیانوس فرهنگ و معارف اسلامی است، حال جای این پرسش است که وقتی مقام شامخ نبوت و مولی امیرالمومنین خود را بی نیاز از مشاوره نمی بیند، نباید نهاد شورا را رکن ممتاز مدیریت اسلامی خصوصاً مدیریت شهری که بیشترین مواجهه با مردم را دارد، دانست؟

۲-ساختاری (شکلی)

۱-۲-تبلور اصل عدالت و عدالت محیطی

در اندیشه دینی و سیاسی اسلام عدالت از دیدگاههای مختلف به عنوان منشأ و مبنای ایجاد محیط مطلوب و عاملی مهم در تعریف شهری ایده آل مطرح بوده است. از عدالت تعبیر و برداشتهای مختلفی ارائه شده و در طول تاریخ نظریه های گوناگون درباره مفهوم عدالت بیان گردیده است؛ اما نگاه اسلام به عدالت با همه مکاتب بشری متفاوت است. اهمیت عدالت در اسلام از آنجا سرچشمه میگیرد که بنابر آموزه های اسلامی، خداوند عادل است و همه افعال الهی عین دادگری و عدالت اند. عدل و عدالت در مذهب شیعه اهمیتی ویژه دارد؛ به طوری که از اصول دین به شمار میآید (خطیبی کوشک، ۱۳۸۳:۳۳۳).

انعکاس عدالت و عدالت محیطی در شهر اسلامی از منظر قرآن ریشه اصلی مباحث مربوط به عدل را باید در اصلترین منبع تعالیم اسلام «قرآن»، جستجو کرد. با عنایت به انواع عدل مطرح شده در تعالیم قرآنی یعنی عدل تکوینی، عدل تشریحی، عدل اخلاقی و عدل اجتماعی، میتوان به این اصل اساسی دست یافت که پایه جهانبینی قرآنی را عدل تشکیل میدهد (مطهری، ۱۳۵۷:۳۵).

خداوند آفرینش جهان هستی را براساس عدالت استوار میکند؛ عدل الهی چون صفت حق تعالی است در عین واقعی بودن و کامل بودن، یکی از اصول آفرینش نیز هست. علاوه بر اینکه خلقت جهان هستی بر اساس عدل است ایجاد قوانین و سنن و کلمات جهان هستی نیز بر پایه عدل و داد تحقق یافته است.

استقرار عدالت یکی از مهمترین اهداف انبیاء الهی: در آیه ۲۵ سوره حدید آمده است: همانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات (به حق) فرستادیم و برایشان کتاب و میزان (عدل) نازل و چون وجود جامعه ای

عادل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند هم نیاز به قدرت معنوی دارد و هم قدرت مادی، در آیه فوق به هر دو قدرت اشاره شده است.

- مساوات و عدم تبعیض نژادی اصل اساسی ای که خداوند جامعه اسلامی را بر آن استوار میداند: با ظهور اسلام، تمام آمال و آرزوها و منافع اشراف با چالش مواجه شد؛ یکی از این منافع، تبعیض نژادی و به بند کشیدن افراد سیاه پوست بود. لذا قرآن با تفاخرها و امتیازات نژادی به شدت مقابله کرده است. خداوند در آیه ۱۳ حجرات میفرماید: ای مردم! ما شما را به صورت زن و مرد آفریدیم و شما را گروه گروه گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید.

مکانیابی شهر آرمانی اسلامی

انتخاب مکان یک شهر از پیچیده ترین و سازمانیافته ترین انواع تصمیم گیریهای فضایی در حوزه ی شهرسازی به شمار میرود. مکان بهینه برای یک شهر با توجه به نوع کارایی یک شهر و اهدافی که برای آن در نظر گرفته شده است، تعیین میشود. سرزمینی که قرار است برترین شهر، با توجه به ویژگیهای یک آرمانشهر، در آن مستقر گردد باید دارای حداکثر توان و امکانات بالقوه ی طبیعی بوده و با کمترین هزینه، اجازه ی بهره برداری از منابع آن را بدهد. جستجو در آیات و روایات خصوصاً خطبه ی ۸۳۲ نهج البلاغه ما را به ویژگی و خصوصیات برترین سرزمین برای ایجاد یک شهر آرمانی رهنمون میسازند؛ برخی از این ویژگیها عبارتند از:

- پدیده های جوی همراه عناصری مؤثر در شکل گیری تمدنهای بشری بوده اند. ویرانه های مراکز انسانی که روزگاری از شکوه و جلال کم نظیری بهره مند بودند، میتواند ما را به دریافت رابطه بین مراکز فعالیتهای انسانی و شرایط و تغییرات آب و هوا رهنمون کند. در همین رابطه امام صادق(ع) سکونت در سرزمینی را دلپذیر و مطبوع میداند که دارای هوایی سالم و پاکیزه باشد(حرانی ۱۳۶۳: ۸۲۱) این تعبیر را میتوان هوایی به دور از آلودگیها، با شرایط جوی معتدل و پایدار تعریف کرد.

- سرزمین شهر آرمانی باید دارای منابع گیاهی غنی و سرشار بوده و رشد و نمو گیاهان در آن به سهولت امکانپذیر باشد. برای این منظور باید خاک این منطقه سرشار از مواد معدنی و مساعد برای رشد گیاهان بوده که در آیه ی ۵۸ سوره ی اعراف، از آن به عنوان سرزمین پاک نام برده شده است: «زمین پاک گیاهانش به اذن پروردگارش بر میآید و آن زمینی که ناپاک و نامناسب است، گیاهش جز اندک و بیفایده برنمیآید...» همچنین خداوند یک شهر نیکو را با داشتن باغ و بوستان از شمال و جنوب مثال زده است.

- این سرزمین دارای منابع آبی فراوان میباشد. از دیرباز نزدیکی به منابع آبی و دسترسی به آب قابل استفاده یکی از معیارهای مکان گزینی برای شهرها بوده است. به تبع مکان یک شهر آرمانی باید هم در میزان بارش های جوی و هم در میزان منابع ذخیره ی آبی در بهترین حالت باشد. همچنین حضرت علی(ع) در خطبه ی ۱۱۵ نهج البلاغه آب را مایه حیات دانسته و آن را زنده کننده ی شهرهای مرده معرفی میکند.

- در این خطبه حضرت علی(ع) مکان برترین سرزمینها را مسطح و دارای کمترین ناهمواری میداند که این موضوع

تحت عناوینی مانند شیب زمین و نزدیکی به مناطق کوهستانی در مکانیابی شهری مورد توجه قرار می‌گیرد که این زمینها کمترین هزینه ی بهره برداری دارند.

-دسترسیها و راههای ارتباطی از اصول تعیین کننده ی مکان یک شهر میباشند به نحوی که نوع دسترسیها میتواند تعیین کننده ی درجه ی اهمیت یک شهر از جهات مختلف باشد. در متون اسلامی، عموماً برترین سرزمین ها و شهرها با صفاتی همچون دارای دسترسیهای فراوان، راههای ایمن و آباد توصیف شده اند.

راهها و معابر عمومی

-حفظ فاصله ی شفاف و واضح میان زندگی خصوصی و عمومی یکی از مهمترین مشخصه های اجتماعی فرهنگ اسلامی است. خداوند منان (در سوره نور، آیه ۸۱) فرمان داده است که مسلمانان بایستی در فضای عمومی و خارج از خانه هایشان با فروتنی و عفت رفتار نمایند(اخوت ۱۳۸۹: ۸۸۳) به طور مشابه، در تلاشی بی وقفه برای انعکاس ارزش والای حریم خصوصی و تمایز میان زندگی خصوصی و عمومی، پیامبر استفاده از معابر را برای ملاقات عمومی توصیه نمیکردند. در شهر آرمانی معابر اصلی (با توجه به اصل رعایت سلسله مراتب محرمیت) عمدتاً از مرکز بخشی که بالاترین سطح زندگی اجتماعی و عمومی (فعالیتهای عمومی) در آن شکل میگیرد آغاز شده، ابعاد این معابر به مرور تقلیل یافته و هویت و محتوایشان نیز تغییر میکند؛ به این عنوان که فرم عملکرد سلسله مراتبی از فضای عمومی به نیمه عمومی و بعد به بن بست و در نهایت به حیاط خلوت که تنها برای دسترسی خصوصی خانه است، میرسد(اخوت ۱۳۸۹: ۸۸۳-۸۸۱).

-پیاده روی مهمترین امکان برای مشاهده مکانها، فعالیتها و احساس شور و تحرک زندگی و کشف ارزشها و جاذبه های نهفته در محیط شهری است؛ به همین جهت امروزه پیاده مدارن یکی از مهمترین اصول و اولویتها در برنامه ریزی و طراحی شهرها به شمار میرود. در مبانی دین اسلام بر اولویت افراد پیاده بر افراد سواره تاکید فراوانی شده و احادیث مختلفی در اهمیت این موضوع وجود دارد؛ در یکی از این احادیث حضرت محمد(ص) میفرماید: «در جاده ی عمومی سواره بر پیاده اولویت دارد و پابرهنه بر کفش پوشیده مقدم است»(تمیمی المغربی، ۱۳۸۵: ۸۱۱) لذا پیاده مدارن یکی از اصول مهم در آرمانشهر اسلامی به شمار میرود.

-در حدیثی از امام کاظم (ع) در مورد مسیر حرکت افراد پیاده و افراد سواره در آخرالزمان آمده است: «چون قائم ما به پا خیزد، ندا دهد: ای اسب سواران! از وسط راه حرکت کنید. ای پیاده گان! از دو سوی راه گام بردارید. پس هر سواری که بر دو سوی راه حرکت کند و کسی را آسیب رساند، او را به پرداخت دیه وادار کنیم...» (طوسی، ۱۳۶۵: ۸۸۱) در این حدیث به طور مشخص در مورد تفکیک مسیر حرکت عابرین پیاده از مسیر حرکت سواره ها در بهشت زمینی و آرمان شهر اسلام و عدم اختلاط مسیر سواره و پیاده در عصر ظهور سخن گفته شده است.

-یکی از مسائل مهمی که در آموزه های اسلامی همواره مورد توجه بوده و باید در شهر آرمانی اسلام به منصفه ی ظهور برسد، روانی حرکت در مسیرها و معابر عمومی است. در حرکت شهروندان چه به صورت پیاده و چه به صورت سواره نباید اختلاطی صورت پذیرد. در حدیثی از امام صادق (ع) تجاوز و جلونشینی خانه ها و ساختمانها

به معابر عمومی تقبیح شده (تمیمی المغربی، ۱۳۸۵: ۱۱۱) و ایشان افراد را مسئول حفظ و نگهداری راهها میدانند (کلینی ۱۳۶۵: ۸۹۱).

محیط زیست و فضای سبز در آرمانشهر اسلامی

اسلام برای انسانها مسئولیتهایی را در قبال محیط طبیعی تعیین نموده که حاکی از نقش انسان به عنوان خلیفه (وارث یا جانشین) خداوند در زمین میباشد. در این رابطه قرآن میفرماید: «او کسی است که شما را در زمین وارث قرار داده. اگر آنها رد کنند، نپذیرفتن آنها بر خودشان باز خواهد گشت» مسئولیت انسان در قبال محیط زیست در قالب دو اصل شکل گرفته است: بهره برداری از منابع طبیعی و حفظ تعادل طبیعی آرمان شهر دارای کالبد و روح و نظام حاکم بر آن میباشد: در اکوسیستم انسان-طبیعت، انسان و کرامت او در نظام شهر، اصالت دارد؛ به این قرار در هر دو فرایند تطابق انسان با طبیعت و تطابق طبیعت با انسان برای دستیابی به نیازها و خواستههای خاص انسانی، فرایند بهینه سازی زندگی انسانی مورد نظر است. رابطه ی آرمانشهر با طبیعت به نظریه ی توسعه ی پایدار گرایش دارد، طبیعت با انسان شناخته میشود. عقلانیت فناوری را بر طبیعت تحمیل نمیکند. در آرمانشهر طبیعت نفی نمیشود، فصلی از بلوغ زندگی تفسیر میشود (آکوچکیان، ۱۳۸۷: ۸۸) همانطور که آیه ۸۱ سوره ی انعام به هماهنگی و همسویی میان انسانها و طبیعت اشاره دارد، شهر آرمانی اسلام هرگز نباید به نحوی ساخته شود که نشانگر مخالفت انسان با طبیعت باشد؛ بلکه به عکس، همواره باید همساز و همسو با نیروها و عناصر طبیعت بنا شود.

زیباسازی شهرها

عملیات زیباسازی شهری، فرایندی است که به توسعه کیفی فضای شهر و ارتقای کیفیت زندگی شهری میپردازد تا به شکلگیری شهر سالم، فرهنگی و انسانمدار برسد. امام علی (ع) در مورد زیبایی و اهمیت آن میفرماید: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که نمود آن را در بنده اش ببیند» فیض کاشانی، ۱۳۶۵: ۳۸) شهر آرمانی اسلام، شهری زیباست که بر اساس شرایط محیطی و نیازهای انسانی به صورت منطقی و متناسب شکل گرفته باشد. شهری که به کیفیت زندگی و روح و روان انسان احترام بگذارد.

-زیبایی فضای یک آرمانشهر، به عوامل و عناصری مانند کیفیت طراحی شهری، کیفیت مصالح به کار رفته در نماها، رنگ، فرم، معماری نور، روشنایی در شب، ضوابط معماری نما، افق دید و کیفیت و کمیت فضای سبز، المانها و مونومانها و همچنین تناسب احجام با محیط، پاکیزگی شهر، ترافیک، کیفیت تاسیسات زیر بنایی شهر، کیفیت و کمیت تبلیغات شهری و... بستگی دارد. رسول اکرم (ص) در مورد زیبایی و زیباسازی فضای شهری میفرماید: «شهرهایتان را به لحاظ مکان و نمای زیبا به گونهای بسازید که چشم نواز بوده و چشمانداز داشته باشد» (سیوطی، ۱۹۸۱: ۱۳)

-دین اسلام به مردمان ساکن شهرها (با توجه به آیات و روایات مختلفی که در زمینه ی توجه و اهمیت به زیباسازی وجود دارد)، توصیه میکند ساختمانها و بناهای خود را به نحوی زیبا و چشم نواز بسازند. روایت عثمان بن عبدالرحمن است که رسول خدا انصار را از ویران ساختن دژهای خویش بازداشت و فرمود: «این دژها زیور مدینه

اند» (عاملی ۱۳۸۹: ۴۴) سلیمان (ع) پیامبر معصوم و اسوه‌ی انسان هاست و ناهنجاری در زیستن او راه ندارد. وی به تصریح آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی نمل، خانه‌اش را چنان زیبا و هنری و چشم‌زيب ساخته بود که نه تنها انسان‌های معمولی بلکه ملکه‌ی سبا را نیز در سراب دل‌انگیز زیبایبهايش به اشتباه انداخت (اخوت و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

عنوان آرمانشهر اسلامی مفهومی است که به نوع خاصی از شهرها اشاره دارد که متأثر از فرهنگ و آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی هستند به طوری که در تحقیقات انجام شده در خصوص ویژگی‌های شهر اسلامی، مورد توجه قرار می‌گیرد. آرمانشهر اسلامی شهر - معبد نیست؛ بلکه شهر - ایمان است. ایمانی که بر پایه توحید شکل گرفته است و هر یک از انسان‌ها را بندگان خدا می‌داند و مالک برتری را تقوا می‌شناسد و در آن از نظام کاستی خبری نیست. شهر زیستگاه انسان، محیط و خاستگاه مدنیت و بستر زندگی اجتماعی عقلایی و عقلانی آدمیان، زیستاری است چند مؤلفه‌ای که ویژگی‌های سرزمینی و فضا‌های کالبدی، ساکنان شهروندان، نهادهای اجتماعی، روابط و مناسبات شهروندی و هنجارهای نهادینه شده است. آرمانشهر اسلامی همچنین محل تجمع مسلمانان برای انجام امور مشترک و وحدت آفرین است که به این ترتیب شهر یک سازمان اجتماعی منسجم و هدفمند می‌شود که از نظر قرآن هدف غایی آن دست‌یابی به کمال در کنار فعالیت جمعی است. آرمانشهر اسلامی، ساخته دست فرد مسلمان و یا محل اسکان وی می‌باشد؛ باید تجلی‌گاه و یادآور ارزش‌های اسلامی باشد. همچنین این فضای کالبدی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بایست در عین پاسخگویی به نیازهای مادی شهروندان، آنها را بیشتر به سوی ارزش‌های اسلامی هدایت نماید. شهر اسلامی با عناصر خود آرامش روح و جسم را برای شهروندان خود به همراه می‌آورد و در این نوع آرمانشهر، تمام کارکردها برای ذکر خداست و همین ذکر، جان انسان را جلال می‌دهد. این مقاله در صدد آن بود که نظریه‌ی چند مؤلفه‌ای آرمانشهر اسلامی را به استناد دینی شدن تبیین و از آن دفاع نماید. بر این اساس مواردی چون برخورداری از سرزمین پاک و مستعد، برخورداری از منابع گستره‌آبی، هدفمندی در تأسیس، استواری و استحکام، وجود راه‌های امن و مطمئن، نزدیکی شهرها، آبادانی شهر، محیط زیست حفاظت شده، شهروندان صالح و عادل، وجود نهادهای راه‌برنده، مدیریت کلان و جامع‌نگر، امنیت، همگرایی شهری از شمار این ویژگی‌ها بودند. آنچه از آیات و احادیث و اندیشه‌اندیشمندان برداشت می‌شود این است که اسلام بیش از آنکه به کالبد شهر پردازد، روح و شرایط زندگی اجتماع انسانی را مد نظر قرار می‌دهد. آرمانشهر اسلامی شهری است که نحوه‌ی سکنی‌گزیدن افراد در آن، بر اساس قوانین دینی باشد. آرمانشهر اسلامی، شهری قدسی است که در اتصال با عالم بال باشد یعنی به تنهایی چشم و گوش نمیتواند در ایجاد آن به یاری ما بیاید بلکه عالوه بر آن باید از شناخت قلبی و شهودی نیز در آن بهره‌گرفت.

با عنایت به موضوعات فوق‌الاشاره، مبانی، ارکان، الگو، صفات و اصول شهر آرمانی اسلام، از متن قرآن کریم و آموزه‌های دینی متکی بر کتاب الهی قابل استنتاج و تدوین هستند؛ و میتوان گفت که شهر آرمانی اسلام یک مفهوم و یک صورت است که مبانی و ارکان و صفات و اسوه‌ی آن از قرآن کریم قابل استنتاج و استنباط است؛ و تحقق آن

در عالم خارج، بسته به شرایط زمان و مکان و امکانات تجلیات متفاوتی خواهد داشت. در نتیجه، شهرهای مسلمانان (و حتی شهرهای غیرمسلمانان) در دسترس، در دوران مختلف و سرزمینها و دانش متفاوت، در متجلی ساختن آن، توان متفاوتی دارند. ضمن آن که، هر شهری که شهر اسلامی نامیده می شود، به اندازه ای اسلامی است (و به الگوی حقیقی و مثالی شهر اصیل و آرمانی اسلام نزدیکتر است) که بتواند جلوه گاه مبانی و اصول و ارزشهایی باشد که کلام الهی برای جامعه ی اسلامی و الهی تعریف نموده است. بنابراین: هر شهر منتسب به اسلام یا موصوف به اسلامیت:

-در آموزه های اسلامی و قرآن کریم به آرمانشهر اسلامی و شیوه مدیریت آن دستورات و رهنمودهای بسیار ارزشمندی وجود دارد که رعایت آنها موجب سعادت دنیوی و اخروی شهروندان می شود.

- آرمان شهر اسلامی به همان اندازه اسلامی است که امکان مسلمان بودن و مسلمان زیستن و مسلمان ماندن اهل شهر در آن وجود داشته باشد.

-قرآن کریم برای یک شهر نمونه یا آرمان شهر خود معیارها و مشخصه هایی ترسیم کرده است که چندین مشخصه و ممیزه ی آن در ابعاد ماهوی و مادی اهمیت بیشتری یافته است، این مشخصه عبارتند از:

-ایجاد امنیت برای همه ی شهروندان(امنیت)

-تحقق اطمینان خاطر برای همه(اطمینان)

-روزی فراوان اقتصاد)

-قرار دادن همه اجزا و عناصر حاکمیت در جای خود(عدالت)

-مکانیابی، اولین اقدام برای ایجاد شهر آرمانی: سرزمین شهر آرمانی دارای آب و هوای معتدل و پایدار؛ منابع گیاهی غنی و سرشار (خاک حاصلخیز؛ منابع آبی فراوان) اعم از بارشهای جوی، آبهای زیرزمینی و رودخانه ها؛ زمینی

مسطح و هموار؛ دسترسیهای فراوان، ایمن و آبد. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

-راه ها و معابر عمومی، سازمان دهنده ی شکل آرمان شهر: رعایت اصل سلسله مراتب محرمیت در معابر عمومی؛ اولویت پیاده مداری؛ تفکیک حرکت سواره از پیاده؛ عدم ایجاد اختلال در رفت و آمد شهروندان.

-بنای مسکونی، مهمترین مولفه ی شهر آرمانی: محیط زندگی و محل استقرار بنای مسکونی عاملی مهم در شکلدهی الگوهای رفتاری؛ هماهنگی معماری بنا با شرایط اقلیمی هر منطقه (توجه به نور، باد و جهت قبله در ساخت بنا)؛

لزوم مقاوم سازی بناهای مسکونی. محیط زیست و فضای سبز در شهر آرمانی: دو اصل عمده ی اسلام برای محیط زیست: بهره برداری و حفظ تعادل زیست محیطی؛ هماهنگی و همسویی با طبیعت؛ لزوم توجه ویژه به درختکاری و

فضای سبز. به این ترتیب، هر شهری به اندازه ای به شهر آرمانی اسلام نزدیک است که بتواند آن شهر آرمانی اسلام که ساخته شده و مدیریت شده توسط انسان کامل و محل زیست اوست را متجلی و متجسد سازد؛ و عالیترین

نسخه ی شهر اسلامی، فضای حیات طیبه انسان کاملی که مطابق آنچه خدایش گفته است و فطرتش به آن میخواند در زندگی دنیایی خویش مشی می کند.

منابع

- آکوچکیان، احمد، (۱۳۸۷) از آرمان شهر فلسفی تا آرمان شهر توسعه‌ای، اصفهان: مجموعه مقالات نخستین همایش آرمانشهر اسلامی، دانشگاه اصفهان
- اخوت، هانیه و الماسی فر، نینا و بمانیان، محمدرضا؛ (۱۳۸۹) معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، نشر هله، چاپ اول.
- تمیمی‌المغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵) دعائم السالم، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم.
- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، (۱۳۶۳) تحف العقول عن آل الرسول(ص)، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: موسسه انتشارات اسلامی.
- خطیبی کوشک، محمد (۱۳۸۵) فرهنگ شیعه، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت، قم.
- سیوطی، عبدالرحمن ابی بکر (۱۴۰۱/۱۹۸۱)، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت: دارالفکر، چاپ یکم.
- عاملی، جعفر علی، (۱۳۸۹) شهر اسلامی: نشانه‌ها و شناسه‌ها، قم: موسسه بوستان کتاب.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی الوافی، (۱۳۶۵) اصفهان: مکتبه امیرالمومنین.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵) کافی، تهران: دارالکتب السلامیه، چاپ چهارم.
- نقی زاده، محمد، (۱۳۸۲) صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم، صحیفه مبین، دوره ۲، شماره ۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷) عدل الهی، انتشارات صدرا، قم.
- Abbott, C. and Marsden, S. (2008), *Tigersand Dragons: Sustainable Securityin Asiaand Australia*, London - Singapore:Oxford Research Groupand the Singapore Institute of International Affairs.
- Quran Karim, (2007)Al-Hadi Institute, Holy Quran Publishing Center - April 10.
- Plato, Republic (Fourth Book)(1974), translated by Mohammad Hossein Lotfi, first edition, Fereshteh Printing House, (in persian)
- Bozan, Bari(2016), *People, Governments and Fear*, Tehran, Institute for Strategic Studies. Fifth edition, (in persian)
- Papas, Nicholas(2010), *Guide to Plato's Republic*, translated by Behzad Sabzi, Hekmat Publications, (in persian)
- Reading: Jamaluddin Mohammad-(1994) *Explanation of Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam*, Volume 4 - University of Tehran Press - Fifth Edition - (in persian)
- Har Ameli: Muhammad bin Al-Hussein(1991)- *Wasa'il al-Shi'ah-Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi-Beirut-1412 AH-1991 AD*(in persian)
- Foster, Michael B. (1982), *The Gods of Political Thought*, translated by Mohammad Javad Shaykh al-Islami, (Amirkabir Publications, Ch. 2. (in persian)
- Makin Lai, Robert (2001)- *Global Security: Approaches and Theories* - Translated by Asghar Eftekhari - Tehran - Research Institute for Strategic Studies, (in persian)
- Mousavi Al-Khomeini, Ruhollah - *Tahrir al-Waseela* (1983)- Publications of the School of Trust - Tehran - 1403 AH - AD(in persian)
- Will Durant (William James Durant) – (2013)*History of Civilization - Volume 1* - Translated by Amir Hossein Arianpour, A. Pashaei and Ahmad Aram - Scientific and Cultural Publications - Tehran (in persian)
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein-Tafsir Al-Mizan-Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani-Islamic Publishing Office-Qom, Iran(in persian)